

بسم الله الرحمن الرحيم

داستانان منتخب جوامع الحکایات
(شامل ۵۳ قصه)

بازنویس: بتول سعیدی



ناشر: شرکت توسعه کتابخانه های ایران

۱۳۹۳

: سعیدی، بتول، ۱۳۲۱-
 : جوامع الحکایات و لوامع الروایات
 : ۱۰۷ داستان منتخب جوامع الحکایات/بازنویس بتول سعیدی.
 : تهران، شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران، ۱۳۹۲-
 : ج ۲
 : دوره ۱، ۹۳-۷ ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۶۰-۸۱-۴، ج ۱، ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۷-۰۰-۸
 : ج ۲، ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۶۰-۸۱-۴
 : فیبا
 : کتاب حاضر اقتباسی از کتاب "جوامع الحکایات" محمد بن محمد عوفی است.
 : ج ۲، (چاپ اول، ۱۳۹۲) (فیبا)
 : ج ۱، شامل ۵۴ قصه : ج ۲، شامل ۵۳ قصه
 : صد و هفت داستان منتخب جوامع الحکایات.
 : عوفی، محمد بن محمد، قرن ۷ ق. : جوامع الحکایات و لوامع الروایات -- اقتباس‌ها
 : داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
 : عوفی، محمد بن محمد، قرن ۷ ق. : جوامع الحکایات و لوامع الروایات
 : ۱۳۹۲ ۸۴۲ع/PIR۸۰۹۸
 : ۸۶۳/۶۲
 : ۳۲۹۲۸۷۲

سرشناسه
 عنوان قراردادی
 عنوان و نام پدیدآور
 مشخصات نشر
 مشخصات ظاهری
 شابک

وضعیت فهرست‌نویسی
 یادداشت
 یادداشت
 مندرجات
 عنوان گسترده
 موضوع
 شناسه
 رده‌بندی کنگره
 رده‌بندی دی‌سی
 رده کتابخانه‌ای



به نام خدا
 نام کتاب
 ناشر
 مؤلف
 چاپ اول
 چاپ
 تیراژ
 آدرس

تلفاکس
 شابک

شابک دوره

: ۱۰۷ داستان منتخب جوامع الحکایات (جلد دوم)
 : شرکت توسعه کتابخانه‌های ایران
 : بتول سعیدی
 : بهار ۱۳۹۳
 : چاپخانه ایمان
 : ۱۰۰۰ جلد
 : تهران، خیابان خواجه عبدالله انصاری، پلاک ۳، کوچه نهم،
 : پلاک ۳، طبقه اول، کدپستی: ۹۹۱ ۶۶۱۶
 : ۲۲۸۶۵۸۳۲-۲۲۸۶۶۲۶۷، تلفن: ۷۷۸۳
 : ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۶۰-۸۱-۴
 : ISBN: 978-964-5760-81-4
 : ۹۷۸-۹۶۴-۵۷۶۰-۹۳-۷
 : ISBN: 978-964-5760-93-7
 : قیمت: ۴۵۰۰ تومان

فهرست داستان‌ها

- ۱۷۸ - ۵۵- پادشاه و روستایی
- ۱۸۱ - ۵۶- تأثیر اخلاق
- ۱۸۴ - ۵- جوانمردی
- ۱۸۷ - ۵۸- رسم سینه‌داری
- ۱۸۹ - ۵۹- هم‌نوعی به دست آوردن پول
- ۱۹۲ - ۶۰- پیرایه خورشیدی
- ۱۹۵ - ۶۱- صراف و آشپز
- ۱۹۸ - ۶۲- یاران روز شاد
- ۲۰۲ - ۶۳- لطف الهی
- ۲۰۴ - ۶۴- جزای خیانت
- ۲۰۶ - ۶۵- انوشیروان و سلامتی بوذرجمهر
- ۲۰۸ - ۶۶- نان و خورش
- ۲۰۹ - ۶۷- شجاعت در حاضر جوابی
- ۲۱۳ - ۶۸- عیار بر جرأت
- ۲۱۵ - ۶۹- ادب از که آموختی...؟
- ۲۱۷ - ۷۰- اشعب طماع
- ۲۱۷ - ۷۱- یعقوب لیث و مرد عارف
- ۲۱۸ - ۷۲- میهمان
- ۲۱۹ - ۷۳- بازرگان و دختر گدا
- ۲۲۴ - ۷۴- حسرت خوردن برای بخشش

- ۲۲۷ - ۷۵- خاصیت مغناطیس
- ۲۲۸ - ۷۶- تیراندازی آرش
- ۲۳۱ - ۷۷- دشمن را نباید نادیده گرفت
- ۲۳۴ - ۷۸- پند پدر
- ۲۳۸ - ۷۹- تقسیم زیرکانه
- ۲۴۱ - ۸- انتخاب همسر مناسب
- ۲۴۵ - ۸۱- آ
- ۲۴۷ - ۸۲- زیرک شغال
- ۲۴۹ - ۸۳- باغشیر و شیروان
- ۲۵۰ - ۸۴- وزیر سگ - سود
- ۲۵۵ - ۸۵- هرچه کنی به درد می آید
- ۲۵۸ - ۸۶- سقای لال
- ۲۶۱ - ۸۷- تأثیر سلام
- ۲۶۳ - ۸۸- پایداری
- ۲۶۵ - ۸۹- ایجاد رابطه بین دو سردار
- ۲۶۸ - ۹۰- پادشاه با انصاف
- ۲۷۰ - ۹۱- پیرزنی که کلک زد
- ۲۷۳ - ۹۲- موشی که با زیرکی دشمن غاصب را کشت
- ۲۷۵ - ۹۳- دوراندیشی وزیر
- ۳۷۸ - ۹۴- دزدها و سیب زهر آلود
- ۳۸۰ - ۹۵- انتخاب شغل
- ۳۸۳ - ۹۶- عطای خدا
- ۳۸۵ - ۹۷- حق نان و نمک

- ۹۸ - پشیمانی ۲۸۷
- ۹۹ - غلام خائن ۲۸۸
- ۱۰۰ - جوان دانشجو و کنیزک ۲۹۱
- ۱۰۱ - شکست یک پادشاه و پیشگویی راهب ۲۹۴
- ۱۰۲ - صوفی ریاکار ۲۹۷
- ۱۰۳ - زنی دانا و سلطان محمود ۲۹۹
- ۱۰۴ - سه دعای مستجاب ۳۰۱
- ۱۰۵ - پادشاه و بلبل ۳۰۳
- ۱۰۶ - سادات مکه و زنان ۳۰۷
- ۱۰۷ - حق و باطل ۳۱۰

مقدمه

سپاس سپاس! از کی؟ از خدای بزرگ که خالق همه‌ی چیزهای است، است، مخصوصاً از اینکه به‌من بنده، این سعادت را داده و این فرصت را برایم پیش آورده که برای کودکان و نوجوانان عزیز کشور پر از بار و مست‌داشتنی خوبم، چیزی بنویسم و به این وسیله با آنها گفتگو کنم.

باز هم شد که زندگی‌ام و توانستم بعد از مجموعه‌های: قصه‌های مامان بزرگ و بابا بزرگ را اقر، و سی‌قصه‌های شاهنامه جلد ۱ و جلد ۲، و ۱۰۱ قصه‌های کلاه و کلاه جلد ۱ و جلد ۲، و ۷۴ قصه‌های مرزبان نامه جلد ۱ و جلد ۲، این بار مجموعه‌ی دو جلدی قصه‌های قشنگ و پراز پیام جوامع‌الحکایات که منتخبی از کتاب عظیم جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات، نوشته‌ی سدیدالدین محمد عجمی با تدوین استاد جعفر شعار است، را بنویسم.

جوامع‌الحکایت شامل ۱۲۵۰ حکایت است که بسیاری از آنها جنبه‌ی قصه و حکایت ندارد و شامل پیام یا حکمت است و نیز می‌تواند باشد که در عین زیبایی، مناسب گروه نوجوان و کودک نیست و بسیاری دیگر شامل تقدیر و تکریم از خلفای جابر عتّاسی، حتّاً امویان است، که برای ما ایرانیان ذائقه‌پسند نیست، که از آنها صرف‌نظر شده و ۳-۴ قصه

است که با توجه به بافت قصه بودن آنها، با تغییر جزئی نوشته شده و
تغییر قصه‌ها را به شکل مرتب نسبت به کتاب در دسترس، نوشته‌ام که
داستان‌های با یک موضوع، پشت سر هم نباشد.

از کلیه دانشمندان نوجوان و نیز اولیاء محترمی که این کتاب،
معادیت آن را دارد که به وسیله ایشان خوانده شود، تقاضا دارم اولاً
انتقادات پیش آمده در کتاب و خطاهایم را ضمن تذکر به اینجانب، بر
من حشمت، به مانند موارد قبلی، بنده را حمایت کنند؛ امید که این
کتاب مورد قبول واقع گردد.

بتول سعیدی

۵۵- پادشاه و روستایی

یکی بود، یکی نبود؛ در زمان‌های قدیم، یک شاهی بود که در قسمت بزرگی از ایران پادشاهی می‌کرد و قدرت زیادی داشت؛ این پادشاه شکار کردن را خیلی دوست داشت و معمولاً برای تفریح کردن، همراه جمعی از نفرات، افراد علاقه‌مند و مورد اعتمادش، برای شکار بیرون می‌رفت.

یک بار پادشاه با تعدادی از افراد همراهان خود به صحرا و بیابان رفته بود، وقتی که به محل شکار، اسب می‌تاخت، از همراهان دور افتاد و به یک دیهی روستایی رسید. گرسنه شده بود، به یک روستایی رسید و به او گفت: ای روستایی! نان در خانه داری؟ روستایی گفت: ای امیر! دارم ولی نه برای تو! پادشاه گفت: چرا حرف بی‌ربط می‌زنی؟ ۲-۳ تا نان به من بده!

روستایی گفت: تو حرف بی‌ربط می‌زنی بدون هیچ حقی، چه من می‌گویم نان بده.

شاه فهمید که با این روستایی نمی‌تواند کاری برآورد و پولی هم در جیبش نبود که برود و نان از دکان نانوايي بخرد، به پادشاهی که همراه داشت، درآورد و به روستایی گفت: این کار را در عوض پولت از من بگیر و چند تا نان به من بده!

روستایی گفت: خودت برو دکان نانوايي و نان بخر! چون اگر من از